سلسلهٔ من يرد الله به خيراً يفقهه في الدين (٥)

خداوند بهر کس اراده خیر داشته باشد او را در دین آگاهي میدهد .

واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروری است

از سخنان:

الشيخ محمد بن سليمان التميمي و نواده هاي او

جمع آوری:

الشيخ عبدالله بن إبراهيم القرعاوي

ترجمهٔ أبو عبدالله:

إسحاق بن عبدالله بن محمد الدبيري العوضي

چاپ ١٤٢٠هـ

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمهٔ مترجم

إنَّ الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلاَّ الله وحده لا شريك له وأشهد أنَّ محمداً عبده ورسوله صلي الله عليه وعلي آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلي يوم الدين أمابعد:

باری تعالی می‌فرماید: **﴿واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئاً﴾ [النساء ٣٦]** [خدا یکتا را بپرستید و هیچ چیزی را شریك وی قرار ندهید] .

رسول الله ﷺ به معاذ بن جبل ﷺ می‌فرماید: **((أتدري ما حق الله علي العباد قال: الله ورسوله أعلم، قال: أن يعبدوه ولا يشركوا به شيئاً، ثم أتدري ما حق العباد علي الله إذا فعلوا ذلك أن لا يعذبهم))** . **[متفق عليه]** .

آیا می‌داني حق خدا بر بندگانش چیست؟ گفت: خدا و رسول خدا بهتر می‌دانند، فرمود: اینکه او را عبادات کنند و هیچ چیزی را شریك او قرار ندهند، سپس فرمود: آیا میداني حق بندگان بر خدا چیست اگر این عمل را (حق خدا را) انجام دادند؟ اینکه آنها را عذاب ندهد . چیزی که در آن هیچ شك و تردیدی نیست اینکه علم و دانش خدا شناسی و عقیدهٔ إسلامی أساس و بنیاد تمامی دانشها بشمار می‌رود، شایسته آن است که ما تمامی مسلمانان به آن عنایت بهتر و بیشتری داشته باشیم تا اینکه به موجب آن أعمال و کردار ما صحیح و نزد باریتعالی مورد قبول باشد، بخصوص در این زمان که جریانات انحرافی و گمراه کنندهٔ کفر و إلحاد و تصوف و رهبانیت و

جريان قبر پرستي و شرك و بدعتها و مخالفتهای پیروی از پیـامبر ﷺ و سنت او همه جا فرا گرفته و تمامي اين جريانات خطرناك است اگـر مسلمان مسلح به سـلاح عقيدهٔ صحيح كه از قرآن و سنت و فهـم سلف و گذشتگان أمت محمدی است، نباشد بيم آن می‌رود كه ايـن جريانات منحرف و گمراه كننده او را به طرف خود بكشد .

به همين دلايل برای مسلمان يادگيری عقيدهٔ صحيح إسـلام و عنايت و توجه خاص به آن ضروری و لازم است تا در چنگال ايـن جريانات انحرافی و گمراه كننده نيافتيم . به اين خاطر ما اين كتاب را كه: **(الواجبات المتحتمات المعرفة علـي كـل مـسلم ومـسلمه)**: (واجباتی كه بر هر مسلمان مر د و زن دانستن آن ضروری است) نـام دارد، و از سخنان شيخ محمد بن سليمان التميمي و نواده های او، و جمع و ترتيب شيخ عبدالله بن إبراهيـم القرعاوي اسـت، ترجمـه كرده و به مسلمانان جهان، بزرگ و كوچك، و پير و جوان تقديم می‌داريم . أميد است مورد قبـول قرار گيرد و آنرا مطالعـه كـرده نقاط مهم آنرا درك كنند تا در زندگي روز مـرهٔ خـود، دنيـا و آخرت كامياب شوند . و در پايان از باريتعالی خواهانيم كه ما را بـر اين عمل متواضع أجر و پاداش نيك عطا فـرموده آنرا خالصاً مـورد رضا و خوشنودی خود قرار دهد .

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين .

مترجم: أبو عبدالله إسحاق بن عبدالله دبيري

الرياض ١/٦/١٤١٣هـ

أصول سه گانه كه يادگيری آن بر هر مسلمان زن و مرد

واجب است:

و آنها هم عبارتند از: اینکه بندهٔ خدا، دین پیامبرش محمـد ﷺ را بشناسد .

۞ پس اگر به تو گفته شود پروردگار و خدای تو کیست؟

بگو: خدای من کسی است که تمامي جهانیان را با نعمتهای خود آفریده و پرورش داده، و اوست معبود و پروردگار من، و غـیر از او من معبود دیگری ندارم .

۞ و اگر بتو گفته شود دین تو چیست؟

بگو: دین من إسلام است، و آنهم تسلیم شدن به خدای یکتـا و فرمانبرداری اطاعت او، و براءت جستن از شرك و مشرکان .

۞ و اگر بتو گفته شود پیامبر تو چه کسی است؟

بگو: محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم، و هاشم از قبیله و طایفهٔ قریش است، از عربهاست، و عرب از نسل و فرزندان إسماعیل بن إبراهیم الخلیل هستند، بهترین سلام ها و درودها نثار آنان باد .

أصل دین مبین إسلام و أساس آن دو چیز است:

۱ ـ أمر به عبادت و پرستش خدای یکتا و بی همتا، وادار کردن بر آن، و دوستی و خیر خواهي در آن، و کافر دانستن کسیکه این دین را ترك و مخالفت آن کند .

۲ ـ بر حذر داشتن از شرك در عبادت خدا، و شدت نکـیر و مخالفت در آن، و دشمن دانستن کسیکه این عمل را انجام می‌دهـد، و کافر دانستن کسانی که شرك می‌ورزند .

شروط لا إله إلا الله: ۱ ـ دانستن معنای آن بطور نفی و اثبات . یعني (لا إله) نفي تمام أنواع عبادت از غیر خدا .

و (إلا الله) اثبات تمام أنواع عبادت براي خداي يگانه .

٢ ـ يقين: و آنهم عبارتست از اينكه علم و يقين كامـل بـه آن داشته باشيم، علمی كه در آن شك و ترديدی وجود نداشته باشد .

٣ ـ إخلاص: همان إخلاص كه مخالف شرك است .

٤ ـ راست: همان راستي كه با دروغ منافـات دارد و مـانع از نفاق می‌شود .

٥ ـ دوست داشتن اين كلمه و آنچـه بـر آن دلالـت دارد و خوشحال بودن به إسلام و توحيد .

٦ ـ تسليم شدن به حقوق آن و آنهم انجام عملهای واجب بطور خالص برای خدا و طلب رضای او .

٧ ـ قبولی كه منافي و مخالف به رد كردن آن می‌باشد .

دليل اين شرطها از قرآن و سنت پيغمبر ﷺ:

دليل أول: آنهم علم و معرفت به معنای آن: ﴿**فاعلم أنـه لا إلـه إلا الله**﴾ . **[محمد ١٩]** . [پس يقين بدان كه معبودی بحق بجز خدای يكتـا نيست] .و﴿**إلا من شهد بالحق وهم يعلمون**﴾ . **[الزخرف ٨٦]** .

[مگر كسيكه گواهی بحـق داد و گفت لا إلـه إلا الله و ايـشان می‌دانند كه دلهايشان با زبانشان يكی اسـت] . ﴿**وهـم يعلمـون**﴾ يعـني می‌دانند با دلهايشـان، آنچه زبانهای آنها با آن نطق كرده است . و دليل از حديث رسول اكرم ﷺ حديثی كه عثمان بن عفان ﷺ روايـت می‌كند كه رسول الله ﷺ فرمودند: ((**من مات وهو يعلم أنه لا إلـه إلا الله دخل الجنّة**)) . **[مسلم]** . هر كسيكه بميرد و بداند كه هيچ معبودی بر حق غير از خدای يكتا نيست، داخل بهشت می‌شود .

دليل يقين و ايمان داشتن به آن: باريتعالى مى‌فرمايد: ﴿**إنما المؤمنون الذين آمنوا بالله ورسوله ثم لم يرتابوا وجاهدوا بأموالهم وأنفسهم في سبيل الله أولئك هم الصادقون**﴾ **[الحجرات ١٥]** . [بدون شك مؤمنـان واقعـي آن كسانى هستند كه ايمان بخداى يكتا و به پيغمبرش آورده انـد سـپس (آنگاه از لحظه اى كه ايمان آورده اند) شكى در دل خود راه نداده اند و در راه خدا با مالها و جانهاى خود جهـاد كـرده انـد، ايـشان راستگويان واقعي هستند] .

خـداوند براى صدق و راستي ايمان شان به خـدا و رسـول شرط كرده كه شك به دل خود راه ندهند يعني شك نكنند زيـرا كسيكه شك كند از منافقين بشمار مى‌رود .

و از أبوهريرة ﷺ روايت است كه رسول اكرم ﷺ فرمودنـد: **((أشهد أن لا إله إلا الله و أنّي رسول الله لا يلقي الله بهما عبد غيـر شـاك فيهما إلا دخل الجنّة))** وفي رواية: **((لا يلقي الله بهما عبد غير شـاك فيهمـا فيحجب عن الجنّة))** . **[مسلم]** .

گواهى مى‌دهم كه معبودى بر حق جز خداى يكتا نيست و من فرستاده و رسول خدا هستم، هر كسى با اين دو شـهادت خـدا را ملاقات كند و در آن شكى در دل نياورده باشد، داخل بهشت خواهد شد، و در روايتى آمده است: هر كسى با اين دو شـهادت خـدا را ملاقات كند در حاليكه شكى در دل او نباشد، پس از داخـل شدن به بهشت جلوگيرى نخواهد شد .

و در جزئى از حديثى كه أبوهريره ﷺ از رسول الله ﷺ روايـت ميكند آمده است كه فرمودند: **((.. من لقيت وراء هذا الحائط يشهد أن لا**

إله إلا الله مستيقناً بها قلبه فبشّره بالجنّة)) . **[مسلم]** . بشارت هده به بهشت هر كه را ملاقات كردي پشت اين ديوار كه گواهی می‌دهد كه نيست هيچ معبودی بر حق غير از خدای يكتا در حاليكه دلش متيقن به آن باشد .

و دليل إخلاص در آن: **﴿ألا لله الدين الخالص﴾ .[الزمر ٣]** .

[آگاه باشيد كه دين خالص ـ پاك از رياء و نفـاق ـ بـرای خدای يكتا است] .

خداوند متعال می‌فرمايد: **﴿وما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين لـه الدين حنفاء﴾** . **[البينـة ٥]** . [و ايشان أمر نشده بودند مگر اينكه عبـادت خدای يكتا كنند در حاليكه عبادت را خالص برای خـدای يكتا قـرار دهند و هيچ شائبه شرك و ريائی در عبادتشان نباشد و بـر راه راسـت مستقيم باشند] . و دليل از سنت پيغمبر ﷺ حديث صحيح و ثابت كه أبوهريره رضي الله عنه از رسـول الله ﷺ روايت می‌كند كه فرمودند: **((أسـعد الناس بشفاعتي من قال لا إله إلا الله خالصاً من قلبه أو نفسه))** . **[بخاري]** .

خوشبخترين و سعادتمندترين مردم به شفاعت مـن روز قيامـت كسانی هستند كه بگويند: معبودی بر حق غير از خدای يكتا نيست و اين گواهی خالص از قلب و جانش باشد .

و در صحيح عتبان بن مالك رضي الله عنه روايت می‌كند كه رسـول الله ﷺ فرمودند: **((إن الله حرم علي النار من قال لا إله إلا الله يبتغي بذلك وجـه الله عز وجل))** . **[مـسلم]** . هر آئينه خـداوند حرام كرده بر آتش كسی را كه بگويد: معبودی بر حق بجز خدای يكتا نيست و با اين سـخن خود رضای خداوند را می‌طلبد .

إمام نسائي در كتاب: (عمل اليوم و الليلة) از دو نفر از صـحابه

رضي الله عنهما روايت می‌کنند که رسول الله ﷺ فرمودند: **((من قال لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو علي كل شيء قدير مخلصاً بها قلبه، يصدق بها لسانه، إلا فتق الله لها السماء فتقاً حتي ينظر إلي قائلها من أهل الأرض، وحق لعبد نظر الله إليه أن يعطيه سؤله))** . **[ابن رجب]** .

هر کسیکه گفت نیست هیچ معبودی بر حق غیر از خدای یکتا و او هیچ شریکی ندارد و برای اوست ملک جهانیان و حمد و ستایش، و او بر همه چیز قادر است در حالیکه گفته اش به آن خالصانه از قلب او باشد و زبان او بر آن تصدیق کند، خداوند آسمان را شکافته تا به گوینده این کلمات که از مردم زمین است بنگرد، و خوشا به کسیکه خدا به او نگاه کند که اگر از او سؤال و دعائي کند خداوند به او عطا می‌فرماید .

و دلیل صدق و راستگوئی: باریتعالی می‌فرماید: **﴿ألم أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنّا وهم لا يفتنون ولقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا وليعلمن الكاذبين﴾** . **[العنكبوت ١ ـ ٣]** .

[ألم این حروف اشاره به أسماء و یا أسرار بین خدا و رسول خداست و تفسیر زیادی در این کلمه آمده است، آیا مردم گمان کرده اند که بحال خود گذاشته میشوند و اکتفاء میشود از ایشان به اینکه بگویند ایمان آورده ایم در حالیکه از ایشان آزمایش کرده نمی‌شود؟ ـ ایمان تکالیف و واجباتي به همراه دارد و تنها بزبان آوردن کلمه ایمان کفایت نمی‌کند ـ و بتحقیق که ما بیازمودیم مردمی را که پیش از ایشان بودند و ناگزیر است از آزمودن در برابر ایمان تا خدای یکتا مردمی را که راستگو و صادق هستند در ایمانشان و دروغگویان را جدا سازد] .

و دلیل از حـدیث صحیح و ثابت کـه در صـحیحین آمـده، صحابی جلیل معاذ بن جبل ﷺ از رسول الله ﷺ روایت می‌کند کـه فرمودند: **((ما من أحد يشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً عبده ورسوله صـدقاً من قلبه إلا حرمه الله علي النار))** . **[متفق عليه]** .

هر کس گواهی دهد که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست و محمـد بنده و فرستادهٔ خداست، و این گواهی صادقانه و از قلب او باشد، خداوند آتش جهنم را بر او حرام می‌گرداند .

و دلیل دوستی و محبت:

باریتعالی می‌فرماید: ﴿**ومن الناس من يتخذ من دون الله أنداداً يحبونهم كحب الله والذين آمنوا أشد حباً لله**﴾ . **[البقرة ١٦٥]** .

[و از مردم کسانی هستند که (از کُند فهمی و کودنی) همتایـانی برای خدا، غیر از خدا قرار داده اند و آنان را دوست می‌دارند مانند دوستی خدا، و کسانی‌که ایمان آورده اند قویترند در دوستی خـدا از آنها، یعني آن همتایان دروغین را تعظیم می‌کنند و دوسـت دارنـد و مردمی که ایمان آورده اند به خدا ایمان صحیح در اینحال محبتشان برای خدا بیشتر و تعظیم شان برای خدا بیشتر از تعظیمی است که نابخردان برای معبودان دروغین می‌کنند] .

و همچنان خداوند متعال می‌فرماید: ﴿**يا أيها الذين آمنوا مـن يرتـد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه أذلة على المـؤمنين أعـزة على الكافرين يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم**﴾ . **[المائدة ٥٤]** .

[ای مردمی‌که ایمان آورده اید هر کسی از شما از دیـن خـویش برگردد خداوند مردمی می‌آورد که ایشان را دوست میدارد، و ایشان

خدا را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنان متواضع و فروتن هستند، نسبت به کفار سخت و شدید هستند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش سرزنش کنندگان بیم و هراس به خود راه نمی‌دهند] .

و دلیل از سنت پیغمبر ﷺ حدیث ثابت و صحیح که أنس بن مالك ﷺ روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمودند: **((ثلاثٌ من كن فيه وجد حلاوةَ الايمان: أن يكون الله ورسوله أحب إليه مما سواهما وأن يحب المرء لا يحبه إلا لله، وأن يكره أن يعود في الكفر بعد أن أنقذه الله منه كما يكره أن يقْذَف في النار))** . **[متفق عليه]** . سه چیز است که اگر در انسان باشند شیرینی ایمان را درك می‌کند: اینکه خدا و رسول او محبوبتر از غیر آنان باشد، و اینکه مردم را فقط برای خدا و رضایت و خشنودی او دوست بدارد، و اینکه از برگشتن به کفر بعد از آنکه خداوند او را از آن نجات داده نفرت داشته باشد همچنانکه از پرتاب شدن و انداختن خودش در آتش نفرت دارد .

دلیل انقیاد و تسلیم شدن: باریتعالی می‌فرماید: **﴿وأنيبوا إلى الله وأسلموا له﴾** . **[الزمر ٥٤]** .

[و إنابه و رجوع بدرگاه حق تعالی نمائید و منقاد شوید برای او و خود را تسلیم فرمان او سبحانه و تعالی کنید] .

و خداوند متعال می‌فرماید: **﴿ومن أحسن ديناً ممن أسلم وجهه لله وهو محسن﴾** . **[النساء ١٢٥]** . [نیست نیکوتر باعتبار دین از کسی که خود را تسلیم خدا نمود، و او نیکوکار بود، یعنی راه فرمانبری خدا و إخلاص برای او در پیش گرفت] .

و خداوند متعال می‌فرماید: **﴿ومن يسلم وجهه إلى الله وهو محسن فقد استمسك**

بالعروة الوثقى﴾ . [لقمان ٢٢] . [و هر كسيكه خود را تسليم فرمان خدا كند در حاليكه نيكوكار است، پس بتحقيق كه چنگ زده به محكمترين دست آويزى و قويترين دليل را بدسـت آورده است] .

و همچنين خداوند متعال مىفرمايد: **﴿فلا وربـك لا يؤمنـون حتـى يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في أنفسهم حرجاً ممـا قـضيت ويـسلموا تسليماً﴾ . [النـساء ٦٥]** . [پس قسم به پروردگـارت كـه ايمـان دار نمىشوند تا اينكه تو را در آنچه ميان شان اختلاف واقع گرديده داور و حكم قرار ندهند، و سپس از آنكه تو حكْم ميانشان صادر فرمـائى هيچ مشقت و ناراحتى از داورى و حكْم تو به خـود راه ندهنـد، و بدون هيچگونه اعتراض و معارضه اى مطيع فرمان تو شوند] .

و در حديث است كه رسول الله ﷺ فرمودند: **((لا يـؤمن أحـدكم حتى يكون هواه تبعاً لما جئت به)) . [شرح السنة]** .

هيچكس از شما مؤمن نمىشود تا اينكه هوي و هوس و دوستى او تابع و موافق آنچه من آورده ام نباشد .

و اين منتهاى انقياد و تسليم شدن مىباشد .

دليل قبول كردن و تسليم شدن به حقـوق آن: خداونـد متعـال مىفرمايد: **﴿وكذلك ما أرسلنا من قبلك في قرية من نذير إلا قال مترفوها إنـا وجدنا آباءنا على أمة وإنّا على آثارهم مقتدون، قال أولو جئـتكم بأهـدى ممـا وجدتم عليه آباؤكم قالوا إنّا بما أرسلتم به كافرون فانتقمنا منهم فانظر كيف كان عاقبة المكذبين﴾ . [الزخرف ٢٣ ـ ٢٥]** .

[و همچنين ما نفرستاديم پيش از تو هيچ پيغمبرى را به شـهرى، مگر اينكه خوشگذرانان شان گفتند ما پدران مـان را بـر آئـين و

عقائدی یافتیم و ما بدنبال ایشان به ایشان اقتداء می‌کنیم و حاضر نیستیم آنرا رها کنیم، پیغمبرشان به ایشان گفت آیا و اگر چه آوردیم برای شما راهی راستتر و بهتر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید باز هم راه پدرانتان که جز گمراهی چیزی دیگر نیست پیروی می‌کنید؟ آنان در جواب پیغمبرشان گفتند ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید کافریم، یعني به پیغمبرشان گفتند راهی که تو و پیغمبران پیش از تو آورده اند باور نداریم و به راه پدرانمان می‌رویم . پس از آنان انتقام گرفتیم و آنان را دچار نقمت و بلای خانمان برانداز ساختیم، بنگر که عاقبت تکذیب کنندگان پیغمبران چگونه شد، عاقبتشان این بود، هم دنیا و هم آخرت را از دست دادند] .

خداوند می‌فرماید: **﴿إنهم كانوا إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون ويقولون أئنا لناركوا آلهتنا لشاعر مجنون﴾ . [الصافات ٣٥ ـ ٣٦] .**

[در حقیقت هرگاه به آنان گفته می‌شد بگوئید: لا إله إلا الله: (نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا) و به این توحید خالص ایمان بیاورید راه تکبر و گردنکشی در پیش می‌گرفتند و نه کلمه توحید لا إله إلا الله بر زبان می‌راندند و نه بحقیقت آن که باید در تمام أمور تابع فرمان خدای یکتا شوند معتقد میشدند و میگفتند آیا ما بخاطر شاعری دیوانه (یعني رسول الله ﷺ) دست از عبادت خدایانمان برداریم!] .

و دلیل از سنت صحیح و ثابت پیغمبر ﷺ حدیث أبوموسي أشعري رضي الله عنه که روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند:

((مثَلُ ما بعثني اللهُ به من الهدى والعلم كمثَل الغَيثِ الكثير أصاب أرضاً فكان منها نَقيةٌ قبلت الماء فأنبتت الكلأ والعشْب الكثير وكانت منها أجادب

أمسكت الماء فنفع الله بها الناس فشربوا وسقوا وزرعوا، وأصاب منها طائفة أخرى إنما هي قيعان لا تمسك ماء ولا تنبتُ كلأً ؛ فذلك مثَلُ من فقه في دين الله ونفعه ما بعثني الله به فعلِم وعلم، ومثَلُ من لم يرفع بذلك رأساً، ولم يقْبلْ هدى الله الذي أرسلتُ به)) . [متفق عليه] .

مثال آنچه خداوند مرا بر آن مبعوث فرموده از هدایت و علم و دانش همانند باران زیادی است که بر زمین باریده بعضی از آن زمین پاك و قابل کشت بوده پس از این باران استفاده کرده و علف و گیاهان زیادی می‌رویاند و بعضی دیگر خشك و بی حاصل ولی آب را نگاه میدارد که مردم نفع برده از آن برای آشامیدن انساني و حیوانی و زراعت استفاده می‌شود، و بعضی از آن زمین شوره زار بوده که نه آب را نگاه می‌دارد و نه علف و گیاهي می‌رویاند، و آن مثال کسی است که علم شریعت آموخته و ازآن علم نفع و سود یافته و به دیگران نیز آموخته، و مثال کسیکه به آن علم بی اعتنائی کرده و دانش و راه مستقیمی که خداوند مرا با آن مبعوث فرموده قبول نکرده است .

نواقض إسلام

بدانکه نواقض إسلام ده چیز است:

أول: شرك آوردن در عبادت خدای یکتا و برای او شریك قائل شدن . خداوند می‌فرماید: **﴿إن الله لا يغفر أن يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء﴾ . [النساء ١١٦]** . [خداوند شرك ورزیدن به ذاتش را نمی‌بخشد و غیر از شرك گناهان دیگر را می‌بخشد برای کسیکه بخواهد] .

و همچنین می‌فرماید: ﴿**ومن يشرك بالله فقد حـرم الله عليه الجنّة ومـأواه النار وما للظالمين من أنصار**﴾ . [**المائـدة ٧٢**] . [و کسیکه به خداوند شرك ورزد خداوند بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاه او در جهنم است و ستمگران هیچ یار و یاوری ندارند] . و از جملـه شـرك در عبادت خداوند متعال ذبح و قربانی برای غیر از خداست، مثل کسیکه قربانی کند برای جن و شیطان و ذبح و قربانی بر سر قبرستانها .

دوم: کسیکه بین خود و بین خدا واسطه قـرار دهـد و از آن واسطه شفاعت بطلبد و بر آن توکل کند، چنین أشخاصـی إجمـاع علماء و دانشمندان إسلام بر کفر آنان است .

سوم: کسیکه مشـرکان را کافر نداند، و یا اینکه در کفـر آن مشرکان شك و تردید داشته باشد، و یا اینکه مذهب آن مشرکان را صحیح بداند کافر است .

چهارم: کسیکه اعتقاد داشته باشد که هدي و پـیروی غـیر از رسول الله ﷺ کاملتر و بهتر است از هدي و پیروی از رسول الله ﷺ، و یا اینکه بگوید حکم و قضاوت غیر رسول الله ﷺ بهتر اسـت از حکم و قضاوت پیامبر ﷺ مانند کـسانی‌که حکْـم و قـضاوت طواغیت و قوانین رسمی کشوری را که غیر شرعی می‌باشـد بـر قوانین شرعی و دینی برتری می‌دهند و اینها همه کافر می‌باشند .

پنجم: کسیکه به چیزی از آنچه رسول الله ﷺ بـرای أمـت إسلامي از هدایت بشری و قضاوت و حکْم بـه قـرآن و سـنت آورده، بغض ورزد اگر چه به آن حکم عمل کند در حالیکه از آن نفرت دارد، باز هم جز کافران می‌باشد .

ششم: هر کسیکه به چیزی از دین مـبین إسـلام مـسخره و ریشخند کند همان دینی که رسول الله ﷺ آنرا از طـرف باریتعـالی آورده، و یا از ثواب و نیکي و پاداش آن، و یا از جزا و عقـاب آن، کافر شود و دلیل آن اریتعالی می‌فرماید: ﴿**قل أبالله وآياته ورسوله كنـتم تستهزؤون لا تعتذروا قد كفرتم بعد ايمانكم**﴾ . [التوبة ٦٥ ـ ٦٦] .

[بگو آیا بخدا و آیات او (قرآن) و پیغمبر او استهزاء و مـسخره میکردید؟ ـ از کار خود ـ عذر خواهي نکنید زیرا کُفْرتان بعـد از اینکه تظاهر به ایمان میکردید ظاهر و آشکار گردید] .

هفتم: سحر و جادوگری و آنچه شامل آن می‌شود از قبیـل طـرد و دوستی بین دوستان و جلب آن برای دیگران و کسیکه آنرا انجام دهد، و یا از آن راضي شود کافر شود و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرمایـد: ﴿**وما يعلمان من أحد حتي يقولا إنما نحن فتنة فلا تكفر**﴾ . [البقرة ١٠٢] .

[این دو شخص صالح کسی را آموزش نمی‌دادند تا آنکه قبلاً بـه او گوشزد می‌کردند که ما به حقیقت برای امتحان آمده ایم تا دانسته شود چه کسانی کفر را بر ایمان ترجیح میدهند و طالـب فراگـرفتن سـحر میشوند، پس تو ای شنونده کفر مکن و سحر طلب نکن زیرا که با عمل کردن به سحر کفر شخص ظاهر می‌شود] .

هشتم: پشتیباني و یاری کردن مشرکان بر ضد مسلمانان، و دلیل آن قول باری تعالی است که می‌فرماید: ﴿**ومن يتولهم منكم فإنه منهم إن الله لا يهدي القوم الظالمين**﴾ . [المائدة ٥١] .

[و هر کسي که از شما مسلمانان با آنان (یهود و نصاری) دوست گیرد او از جمله آنان بشمار می‌رود، یقیناً خدا براه راست نمی‌رسـاند

کسانی‌که بخود ستم می‌کنند و با کافران دوستی برقرار می‌کنند] .

نهم: کسیکه معتقد باشد که بعضی از مردم می‌توانند از شـریعت و دیـن محمد ﷺ خـارج شوند همچنانکه توانستند از دین موسـي عليه السلام خارج شوند کافر می‌باشد . باریتعالی می‌فرماید: ﴿**ومن يبتغ غير الإسلام ديناً فلن يقبل منه وهو في الآخرة من الخاسرين**﴾ . **[آل عمران ٨٥]** .

[و هر کسی که غیر إسلام برای دینداری دینی دیگر بخواهد پـس هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است] .

دهم: روی گردانی و إعراض نمودن از دین خدا و نیاموختن إسلام و عمل نکردن به آن . و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرمایـد: ﴿**ومن أظلم ممن ذُكّر بآيات ربه ثم أعرض عنها إنا من المجرمين منتقمـون**﴾ . **[الـسجدة ٢٢]** . [چه کسی ستمگرتر اسـت از فـردی کـه آیـات پروردگارش به او یاد آوری شود سپس او از آیات روی گردانی کند (هیچ کس ستمگرتر از او نیست) ما از جنایتکاران انتقام می‌گیریم] .

و در تمامی این نواقض و مخالفتها بین اینکه انسان جدی باشـد و یا اینکه شوخی کند و یا از انجام آن بترسد، هیچ فرقی وجـود نـدارد، مگر کسیکه مکره یعنـی مجبور شـود به انجام آن عمـل در حالیکـه او راضی نیست .

و همه اینها از گناهان کبیره می‌باشد که مردم در آن واقع هستند .

پس بر مسلمان لازم اسـت از آنها بر حذر باشـد و بترسـد از اینکه در این گناهان بیفتد و باید از آن اجتناب و دوری ورزد .

بار إلهـی ما از غضب و خشم و عقاب دردناك تو، به تو پنـاه

می‌بریم .

توحید بر سه نوع است:

نوع أول: توحید ربوبیت: و آنهم توحیدی است که کفار قریش در زمان پیامبر ﷺ به آن اقرار و اعتراف می‌کردند ولی بـا اینحـال اقرارشان آنان را در إسلام داخل نکرد بلکه رسول الله ﷺ با آنان در راه خدا به جنگ پرداختند، و خون و مال و جـان آنـان را حـلال فرمودند . و این توحید باریتعالی در أفعال و أعمال اوست .

و دلیل آن باریتعالی می‌فرماید: ﴿**قل من یرزقکم من السماء والأرض أمن یملك السمع والأبصار ومن یخرج الحي من المیت ویخرج المیت من الحـي ومن یدبر الأمر فسیقولون الله فقل أفلا تتقون**﴾ . [یونس ۳۱] .

[به ایشان بگو چه است که از آسمان (بوسیلهٔ باران) و از زمـین (بوسیلهٔ گیاهان و أنواع درختان گوناگون) بـه شمـا رزق و روزی میدهد؟ یا اینکه چه کسی است که مالك شنوائی و بینـائی، یعـنی آفریننده آنها است؟ و چه کسی است که از مـرده زنـده را بـیرون می‌آرد، و مرده را از زنده بیرون می‌آرد، یعنی از خاك مـرده مایـهٔ حیات گیاهان و حیوانات را فراهم میفرماید، و از نطفهٔ ظاهراً مـرده پیکری درخشنده بوجود می‌آورد، و از زنده آب نطفهٔ ظاهراً مـرده می‌آورد، و از شخص زنده و پر جوش و خروش جسمي مـرده و بی جان پدیدار گرداند؟ و چه کسی تدبیر کار اینهمه خلائـق می‌نمایـد؟ خواهند گفت: الله است که روزي ده و چشم و گـوش دهنـده و زندگی و مرگ بخشنده، و تدبیر أمور همهٔ خلایق در دست اوست .

پس بگو چرا از خدا نمی‌ترسید تا ایمان بیاورید و به یکتائیش اعتـراف کنید و پیغمبرش را تصدیق نمائید؟] .

نوع دوم: توحید ألوهیت: وآنهم توحیدی است کـه در آن، در زمـان قدیم و در حال حاضر اختلاف شـده اسـت، و آن توحیـد خداوند متعال است که أفعال و أعمال بندگان را بیان می‌کند، مانند: دعاء و نذر و قربانی و أمید و آرزو و ترس و وحشت و توکل و شوق و میل و ترس و بیم و رجوع و إنابت، و هر کدام از این عبادتهای بالا دلیلی از قرآن بر آن وارد شده است .

نوع سوم: توحید ذات و صفات و أسماء خداوند:

باریتعالی می‌فرماید: ﴿**قل هو الله أحد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا أحد**﴾ . [**سورهٔ إخلاص**] .

[بگو او خدای یکتاست، آن خدائي که از همه بی نیاز، و همـهٔ عالم به او نیازمند هستند، نه کسی فرزند او، و نه او فرزنـد کـسی است، و برای او هیچ مثل و همتائی نیست] .

و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿**ولله الأسماء الحسنى فادعوه بها وذروا الذين يلحدون في أسمائه سيجزون ما كانوا يعملون**﴾ . [**الأعراف ١٨٠**] .

[برای خداست بهترین نامها، خدا را به آن نامها بخوانید و دعـاء نمائید و نامهائي را که مردم منحرف از حق بـرای بتـهای خـود از نامهای خدا می‌سازند ترك کنید، آن مـردم منحـرف و گمـراه در آخرت به جزای آنچه می‌کردند می‌رسند] .

و می‌فرماید: ﴿**ليس كمثله شيء وهو السميع البصير**﴾ . [**الشورى ١١**] .

[هيچ چيز مثل و مانند خداوند نيست، و او شنوا و بينا است] .

ضد توحيد شرك است:

و آنهم بر سه نوع تقسيم مى‌شود:

١ ـ شرك أكبر . ٢ ـ شرك أصغر . ٣ ـ شرك خفي و پنهانى .

شرك أكبر خـداوند گناه او را نمى‌بخشد و هيچ عمل صـالح و نيك را با آن قبول نمى‌كند .

خداوند متعال مى‌فرمايد: ﴿**إن الله لا يغفر أن يشرك به ويغفر مـا دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك بالله فقد ضل ضلالاً بعيداً**﴾ . [النساء ١١٦] .

[خداوند شرك ورزيدن را نمى‌بخشد و بجز شرك گناهان ديگـر را براى كسيكه بخواهد مى‌بخشد و هر كه بخـدا شـرك آرد پس بتحقيق كه در گمراهى دور افتاد] .

و همچنين خداوند مى‌فرمايد: ﴿**وقال المسيح يا بني إسرائيل اعبـدوا الله ربي وربكم إنه من يشرك بالله فقد حـرم الله عليه الجنّة ومأواه النار وما للظـالمين من أنصار**﴾. .[المائدة ٧٢] .

[و عيسي گفت: اى بني إسرائيل خداى يكتا را عبادت و بنـدگي كنيد كه پروردگار من و شما است ـ او تعـالى خالق من و شما است، مـن و شما پـرورده او و مخلوق او هستيم، او را بايـد پـرستيد نـه غير از او ـ زيرا هر كسيكه بخداى يكتا شرك ورزد، خدا بهشت را بـر مشركان حرام گردانده است و جاى آنان در دوزخ است و كسانى كه به نفس هاى خود ستم مى‌كنند هيچ يار و ياورى ندارند] .

و خداوند متعال مى‌فرمايد: ﴿**وقدمنا إلي ما عملوا من عمل فجعلنـاه**

هباء منثوراً﴾ . [الفرقان ٢٣] .

[و آنچه در دنيا از كار خير انجام داده بودند اين كارهای‌شان نيز مانند ذرات غبار در هـواء پراكنـده ساختيم و كردارهای ـشان را همه بباد داديم] .

و همچنين می‌فرمايد: **﴿لئن أشـركت ليحـبطن عملـك ولتكـونن مـن الخاسرين﴾ . [الزمر ٦٥] .**

[اگر شرك بعمل آوردی البته أعمال تـو نـابود می‌گـردد و از زيانكاران خواهي شد] .

و همچنين خداوند متعال می‌فرمايد: **﴿ولو أشركوا لحـبط عـنهم مـا كانوا يعملون﴾ . [الأنعام ٨٨] .**

[و اگر به خدا شرك ورزند البته أعمال و كردار آنها نابود می‌شود و از بين می‌رود] .

شرك أكبر بر چهار قسمت تقسيم می‌شود

١ ـ شرك دعاء و طلب غير از خدا يعنی: برای حل مشكلات و قضای حاجات .

دليل آن باريتعالی مـی‌فرمايد: **﴿فإذا ركبـوا فـي الفلـك دعـوا الله مخلصين له الدين فلما نجاهم إلى البر إذا هم يشركون﴾ . [العنكبوت ٦٥] .**

[اين مردم مشرك موقعی كه به كشتی نشستند و باد شديد وزيـدن گرفت و موجهای كوه پيكر كشتی را إحاطه كردند و تاريكی شـب و غرش باد و خروش موج زندگی را بر سرنشينان كشتی تلخ كردند آنگاه است كه به إخلاص، خدا را دعاء می‌كنند و عهد می‌بندند كه اگر خدا آنان را از اين خطر مهلك نجات بدهد ديگر هيچگاه كـرد نافرمـانی او

نكردند، اما موقعيكه خدا كه مهربانترين مهربانان است آنان را نجات داد و پايشان به خشكى رسيد ناگهان عوض مى‌شوند و شرك مى‌ورزند] .

۲ ـ شرك در نيت و إرادت و قصد و مقصود .

و دليل آن خداوند مى‌فرمايد: **﴿من كان يريد الحياة الدنيا وزينتها نوف إليهم أعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون أولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا النّار وحبط ما صنعوا فيها وباطل ما كانوا يعملون﴾ . [هود ۱۵ ـ ۱٦] .**

[هر كسيكه خواهان زندگى دنيا و آرايش آن باشند و به راه شرك و رياء كارى پافشارى مى‌كنند جزاى كردارشان را در دنيا به طور كامل مى‌دهيم، در برابر صدقه و صلهٔ رحم و أعمال خيرشان، صحت و سرورى و فراخى روزى مى‌دهيم، و ايشان چيزى از حقشان در دنيا كاسته نمى‌شود، و أما آخرتشان را بر باد داده‌اند . اينها در آخرت نصيبى بجز جهنم ندارند، و آنچه در دنيا انجام داده‌اند از بين رفته و أعمال آنها باطل شده است] .

۳ ـ شرك در اطاعت:

و دليل آن قول خداوند متعال كه مى‌فرمايد: **﴿اتخذوا أحبارهم ورهبانهم أربابا من دون الله والمسيح ابن مريم وما أمروا إلا ليعبدوا إلها واحدا لا إله إلا هو سبحانه عما يشركون﴾ . [التوبة ۳۱] .**

[يهوديان از دانشمندانشان و نصارى از عابدانشان خدايانى غير از خداوند قرار داده اند، و بدون فرمان او از اينراه كه هر چه علماء و عبادشان تحليل و تحريم كردند تابع ايشان مى‌شوند، و در حلال ساختن آنچه خدا حرام فرموده، و حرام ساختن آنچه خدا حلال نموده، از آنان پيروى مى‌كنند و مسيح، عيسى بن مريم را به خدائى

گرفته اند، از این راه که او را پسر خـدا می‌دانند، و در تـورات و انجیل أمر نشده‌اند مگر به اینکه بندگی و عبادت خدای یکتا نمایند و اطاعت از فرمان او نمایند، معبودی بحق بجز خدای یکتـا نیـست و او منـزه و پاك است از آنچه شریك او می‌گردانند] .

تفسیر این آیه که در آن اشکالی نیست چنین می‌باشـد: [عـدم اطاعت علماء و زهاد و عباد در معصیت خدا و عدم دعاء آنها چنانکـه رسول الله ﷺ آنرا برای عدي بن حاتم ﷺ تفسیر نمودند وقتي که از آن حضرت سؤال کرد که، ما آنان را نمی‌پرستیم آن حضرت در جـواب فرمودند: اطاعت آنان در معصیت خداوند عبادت گفته می‌شود] .

٤ ـ شرك در محبت و دوستی .

و دلیل آن خداوند می‌فرماید: **﴿ومن الناس من يتخـذ مـن دون الله أندادا يحبونهم كحب الله﴾ . [البقرة ١٦٥، و تفسیر آن قبلاً ذکر شد] .**

نوع دوم، شرك أصغر است: و آنرا ریاء میگویند

و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرماید: **﴿فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً ولا يشرك بعبادة ربه أحداً﴾ . [الكهف ١٠٢] .**

[پس هر کس امیدوار دیـدار پروردگـار خـود باشـد و میخواهد بدرگاه خدای یکتا نزدیك شود باید پیروی رسول خدا نماید، ایمان به دیدار خدا بیاورد که در روزشمار، خـدا جـزای أعمال او را خواهد داد، و کردار خود را شایسته نماید تـا در روز دیدار و رسیدن به جزای أعمال خود از مؤمنان صـالح و از همراهان پیغمبر خـدا باشد، و برای تحقق و عمـل صـالح و

نیك خود همیشه راه إخلاص برای خدای یکتا را در پیش گیرد، و در عبادت پروردگار خود هیچ کس را شریك او نسازد] .

نوع سوم از أنواع شرك، شرك خفي است

و آنهم شرك پنهان و غیر آشکار گفته می‌شود .

و دلیل آن قول رسول الله ﷺ است که می‌فرماید: **((الشرك في هذه الأمة أخفى من دبيب النملة السوداء على صفاة سوداء في ظلمة الليل))** . **[ابـن كثير در تفسير ٥٧/١]** .

شـرك در این أمت محمدی مخفی‌تر از راه رفتن مورچه ای سـیاه رنگ که بر تخته سنگ سیاهی در تاریکی شب بحرکت میأفتد میباشد .

و کفاره و جبران این شرك یعنی شرك مخفی و پنـهانی حـدیث رسول الله ﷺ است که می‌فرماید: **((اللهم إنّي أعوذ بك أن أشرك بك شيئاً وأنا أعلم وأستغفرك من الذنب الذي لا أعلم))** . **[أحمد]** .

بار إلهی من بتو پناه می‌برم اگر بتو شـ ـرك ورزم در حـالی کـه می‌دانم، و از تو طلب بخشش می‌طلبم از گناهی که نداسته انجام می‌دهم .

کفر بر دو نوع تقسیم می‌شود

أولاً:ـ کفري که انسان را از دین و دایرهٔ إسلام خارج می‌کند، و آن پنج نوع است:

أول: کفر تکذیب خداوند و رسول او، و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرماید: **﴿ومن أظلم ممن افترى على الله كذباً أو كذّب بـالحق لما جاءه أليس في جهنّم مثوى للكافرين﴾** . **[العنكبوت ٦٨]** .

[چه کسی ستمگارتر از کسی است کـه بـر خداونـد دروغ می‌گوید و رسول حق را که برای هدایت او آمده تکذیب می‌نماید؟ آیا جایگاه کافران در آتش دوزخ نیست؟] .

دوم: کفر عدم قبول حق و تکبـر و غـرور کـردن، بـا دانـستن و معرفت آن .

و دلیل آن خداوند می‌فرماید: **﴿وإذ قال ربك للملائكـة اسـجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس أبى واستكبر وكان من الكافرين﴾ . [البقرة ٣٤] .**

[و بیاد آور هنگامیکه به فرشتگان گفتیم سر تعظـیم بـرای آدم فرود آورید و سجده کنید او را، پس اینکار را کردند بجز ابلیس که از تعظیم آدم سرباز زد و در علم خداوندی، ابلیس از کافران بود] .

سوم: کفر شك و تردید و ظن .

و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرماید: **﴿ودخل جنتـه وهـو ظالم لنفسه قال ما أظن أن تبيد هذه أبداً وما أظن الساعة قائمة ولئن رددت إلـى ربي لأجدن خيراً منها منقلباً . قال له صاحبه وهو يحاوره أكفرت بالذي خلقـك من تراب ثم من نطفة ثم سواك رجلاً . لكنّا هو الله ربي ولا أشرك بربي أحداً﴾ . [الكهف ٣٥ ـ ٣٨] .**

[و به باغ خود داخل شد در حالیکه از کفر و خود پـسندی و غرور بخود ستم می‌کرد و گفت: گمان نمی‌کنم که هرگز این باغ و سرمایهٔ من نابود شـود، و نیز گمان نمی‌کنم که روز قیامتی بر پـا شود و اگر به فرض، من بسوی خدای خود باز کـردم البتـه در آن جهان نیز از این باغ دنیا، منـزلی بهتر خواهم یافت، صاحب و رفیق

او که فقیر بود أما به عزت ایمان سرافراز بود در گفتگـوی بـا وی گفت آیا کفر ورزیدی به خدائي که تو را از خاك آفرید؟ پـس از آن از آب نطفه به تو شکل و صورت بخشید؟ پـس از آن تـو را مردی کامل الأعضاء نمود؟ ولیکن من پروردگارم الله، خداوند یکتا است و هیچ کسی را شریك او قرار نمی‌دهم] .

چهارم: کفر روی گردانی از دین .

و دلیل آن قول باریتعالی است که می‌فرماید: ﴿**والذین کفروا عما أنذروا معرضون**﴾ . **[الأحقاف ٣]** . [و مردمی که کفر ورزیده اند، نـه به دلائلی که در سراسر وجـود است می‌نگرند، و نـه بـه انـذرز پیغمبران گوش می‌دهند، و نه به آنچه از کتابهای آسمانی فرود آوردیم توجهی دارند، بلکه از همه چیز روی گردانند] .

پنجم: کفر نفاق .

و دلیل آن قول خداوند متعال است که می‌فرماید: ﴿**ذلـك بـأنهم آمنوا ثم کفروا فطبع علي قلوبهم فهم لا یفقهون**﴾ . **[المنافقون ٣]** .

[زیرا آنها ایمان آوردند، و سپس کافر شدند، خدا هم مهـر بـر دلهایشان نهاد تا هیچ درك نکنند] .

یعنی: ایمان آوردند به زبان، ولی با دل خود کافر شدند .

ثانیاً: ـ کفری که انسان را از دین إسـلام خارج نمی‌کند و آنهم کفر نعمت می‌باشد .

و دلیل آن قول خداوند متعال که می‌فرماید: ﴿**وضرب الله مثلاً قریة کانت آمنة مطمئنة یأتیها رزقها رغداً من کل مکان فکفرت بأنعم الله فأذاقهـا الله لباس الجوع والخوف بما کانوا یصنعون**﴾ . **[النحل ١١٢]** .

[خداوند شهری را که در ایمنی و آسودگی بود و روزیش به فراخی از هر جا بسویش می‌آمد مثال زد، مردم آن شهر پیغمبر خدا را تکذیب کرده و نعمتهای خدا را ناسپاسی نمودند، خـدا هم به موجب آن کفران و معصیت طعم و لباس گرسنگی و بیمناکی را به آنها چشانید] .

نفاق بر دو نوع تقسیم می‌شود

أول: ـ نفاق اعتقادی . **دوم:** ـ نفاق عملی .

نفاق اعتقادی شش قسمت است .

و صاحب این نفاقها در زیرترین نقطه از جهنم خواهد بود .

١ ـ کسیکه رسول الله ﷺ را تکذیب کند .

٢ ـ کسیکه بعضی از آنچه رسول الله ﷺ آورده تکذیب کند .

٣ ـ کسیکه از رسول الله ﷺ نفرت داشته باشد .

٤ ـ کسیکه نفرت داشته باشد از بعضی از چیزهائیکه رسـول الله ﷺ از نزد باریتعالی آورده است .

٥ ـ خوشحالی به نقصان و کم شـدن دیـن مـبین إسـلام و طرفداران آن .

٦ ـ نفرت داشتن از پیروزی إسلام بر کفر .

نفاق عملی: **نفاق عملی** پنج قسمت است .

دلیل آن حدیث رسول الله ﷺ است که فرمودند: **((آيـة المنـافق ثلاث: إذا حدث كذب و إذا وعد أخلف وإذا أؤتمن خان)) . [متفق عليه] .**

وفي رواية **((إذا خاصم فجر وإذا عاهد غدر)) . [متفق عليه] .**

علامت منافق سه چیز است: هنگام سخن گفتن دروغ میگوید،

و اگر وعده دهد، وعده خلاف میکند و به وعده اش عمل نمیکند، و اگر به او أمانت سپرده شود خیانت میکند - **و در روایتی دیگر** - - اگر خصومت نماید فجور (بد و بیراه) میگوید، و اگر عهد و پیمانی با کسی ببندد عهد شکنی و خیانت می‌کند .

معنای طاغوت و أنواع أصلی آن

بدان ای برادر که أولین چیزی که خداوند بر بنی آدم فرض نمود کفر به طاغوت و ایمان به خدای یکتا است .

چنانکه باریتعالی می‌فرماید: **﴿ولقد بعثنا في كل أمة رسولاً أن اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت﴾ . [النحل ٣٦] .**

[در هر أمتی پیغمبری فرستادیم و سخن همه پیغمبران این بود که: خدای یکتا را بندگی کنید و از عبادت سرکشان و فرعونان و بتان پرهیز نمائید] .

أما صفت و کیفیت **کفر به طاغوت:** باطل دانستن عبادت غیر خدا و ترك آن عبادت، و نفرت داشتن از آن و کافر دانستن کسیکه چنین کاری را انجام می‌دهد و دشمنی کردن با او، این معني کفر به طاغوت است .

و ایمان به خدا: معتقد بودن به خدای یکتائي که هیچ شریکی ندارد، و تمام عبادتها را خالصاً برای رضای او انجام دادن، و غیر از او هیچ معبود دیگری را نپرستیدن، و یکتا پرستان را دوست داشتن، و از آنان پشتیبانی کردن، و از مشرکان نفرت داشتن، و با آنان دشمنی کردن، و این همان دین إبراهیم عليه السلام است و کسیکه از دین إبراهیم

عليه السلام روی گرداند نادان و دیوانه و احمق است، و پـیروی از دیـن إبراهیم عليه السلام همان أسوه و قدوهٔ حسنه و نیك است کـه باریتعـالی می‌فرماید: ﴿**قد كانت لكم أسوة حسنة في إبراهيم والذين معه إذ قالوا لقـومهم إنّا برءاؤ منكم ومما تعبدون من دون الله كفرنا بكم وبدا بيننا وبينكم العـداوة والبغضاء أبداً حتى تؤمنوا بالله وحده**﴾ . [الممتحنة ٤] .

[برای شما مؤمنان در عصر خاتم الأنبیاء علیه الصلاة والسلام اقتداء و پیروی خوب در روش إبراهیم عليه السلام و مردم مؤمن همـراه اوسـت، موقعیکه به قوم خود و گروهشان گفتند کـه مـا از شمـا و آنچـه می‌پرستید غیر از خدای یکتا بیزاریم، ما به همهٔ آنچه غیر از خـدای یکتا است و شما آنها را عبادت می‌کنید به همهٔ آنها کفـر ورزیـده و عبادت آنها را انکار می‌کنیم و از آنها مبرا و بیزاریم، ما راه و روش شما را نمی‌پذیریم و همیشه میان ما و شما کینه و دشمنی خواهد بود تا وقتیکه تنها به خدای یگانه ایمان آورید] .

و طاغوت اسمی عام است که: هر آنچه را که غیر از خداونـد عبادت شود و او به این عبادت راضي باشد و در جهت اطاعـت خدا و رسول خدا نباشد شامل می‌شود .

طاغوتها أنواع زیادی دارند، و سران طاغوت پنج تا هستند:

أول: شیطان: که به سوی عبادت غیر از خدای یکتـا دعـوت می‌کند، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿**ألم أعهد إليكم يا بني آدم ألا تعبدوا الشيطان إنه لكم عدو مبين**﴾ . [يس ٦٠] .

[من به شما پسران آدم و فرزندان او دستور دادم کـه از شـیطان پیروی نکنید که دشمن آشکار شما است] .

دوم: حاکم و پادشاه ظالم و ستمکار که حکم خدا را تغییر میدهد .

و دلیل آن خداوند متعال می‌فرماید: ﴿**ألم تر إلى الذين يزعمون أنهم آمنوا بما أنزل إليك وما أنزل من قبلك يريدون أن يتحاكموا إلي الطاغوت وقد أمروا أن يكفروا به ويريد الشيطان أن يضلهم ضلالاً بعيداً**﴾ . [النساء ٦٠] .

[آیا نمی‌نگری و تعجب نمی‌کنی از حال آنانکه به گمان و دعوای خود ایمان به قرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده آوردند؟ چگونه باز می‌خواهند طاغوت را حاکم خود قرار دهند در حالی که مأمورند که به طاغوت کافر شوند، و شیطان می‌خواهد آنان را گمراه کند آنگونه گمراهی که از هر سعادت و آسایش دور باشند] .

سوم: کسیکه به غیر از حکْم خدا قضاوت و حکْم نماید .

و دلیل آن قول خداوند متعال است که می‌فرماید: ﴿**ومن لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكافرون**﴾ . [المائدة ٤٤] .

[هر کس بر خلاف آنچه خداوند فرستاده حکْم کند چنین کسی از کافران خواهد بود] .

چهارم: کسیکه ادعای علم غیب می‌کند .

و دلیل آن خدا می‌فرماید: ﴿**عالم الغيب فلا يظهر علي غيبه أحداً إلا من ارتضى من رسول فإنه يسلك من بين يديه ومن خلفه رصداً**﴾ . [الجن ٢٦ ـ ٢٧] .

[او دانای غیب جهان است و هیچکس بر عالم غیب آگاه نیست، مگر آنکس که از رسولان خود برگزیده، و بر محافظت او از جلو و پشت سر نگهبانانی قرار داده است] .

و همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿**وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها إلا**

هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة إلا يعلمها ولا حبة في ظلمـات الأرض ولا رطب ولا يابس إلا في كتاب مبين﴾ . [الأنعام ٥٩] .

[و کلیدهای غیب و علم نزد خداوند است، او به غیب إحاطـه دارد، و قبل از وقوع هر واقعه، به وقوع آن و وقت وقـوع آن دانـا است، و أمور غیب را بجز او سبحانه و تعالی کسی دیگر نمی‌دانـد و آنچه در خشکی و دریا است، او می‌داند و برگی از درخت نمی‌أفتد مگر اینکه خـدا به افتادن آن برگ دانا است، و نمی‌أفتد دانه ای در تاریکی‌های زمین، و نه هیچ تری، و نه هیچ خشکی مگر اینکـه در کتابی آشکار در لوح محفوظ در علم خدا است] .

پنجم: کسیکه او را عبادت می‌کنند بغیر از خـدا، و او بـه آن عبادت راضی است .

و دلیل آن قول خداوند متعال است که میفرماید: ﴿**ومن يقل مـنهم إنّي إله من دونه فذلك نجزيه جهنم كذلك نجزي الظالمين﴾ . [الأنبياء ٢٩] .**

[و هر کسیکه از ایشان بگوید: من خدا هستم غیر از خدای یکتا، ما او را به آتش دوزخ کیفر خواهیم داد که ستمکاران را چنین مجازات می‌کنیم] .

و بدانکه انسان نمی‌تواند مؤمن به خدا شود تا زمانیکه به طاغوت کفر نورزد .

و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿**فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقـد استمسك بالعروة الوثقي لا انفصام لها والله سميع عليم﴾ . [البقرة ٢٥٦] .**

[کسیکه به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به رشته محکم و استواری چنگ زده که هرگز نخواهد گسست و خداوند به هر چه

خلق گویند و کنند شنوا و داناست] .

بدانکه رشد و هدایت دین محمد ﷺ است، و گمراهی دین أبوجهل است، و رشته استوار و محکم شهادت أن لا إله إلا الله اسـت، یعـني: گواهی دادن که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، که متضمن نفی و اثبات میباشد، تمامی أنواع عبادت غیر از خدا را نفی میکند، و تمـامی أنواع عبادت را فقط برای خدای یکتا اثبات میکند .

والحمد لله الذي بنعمته تتم الصالحات .



فهرست مطالب

م	عنوان	صفحه
١	مقدمهٔ مترجم	٢
٢	أصلهای سه گانه که بر هر مسلمان واجب است	٤
٣	أصل دین مبین إسلام و أساس آن	٤
٤	شروط لا إله إلا الله	٥
٥	دلیل شرطهای لا إله إلا الله از قرآن و سنت	٥
٦	نواقض و مخالفتهای إسلام	١٣
٧	توحید سه گانه	١٧
٨	ضد توحید شرك است	١٩
٩	شرك بر چهار قسمت تقسیم می‌شود	٢٠
١٠	نوع دوم از أنواع شرك	٢٢
١١	نوع سوم از أنواع شرك	٢٩
١٢	کفر بر دو نوع تقسیم می‌شود	٢٣
١٣	نوع دوم کفر	٢٤
١٤	نفاق بر دو نوع تقسیم می‌شود	٢٦
١٥	نفاق عملي	٢٦
١٦	معنای طاغوت و أنواع آن	٢٧

۱۷ فهرست مطالب ۳۲

